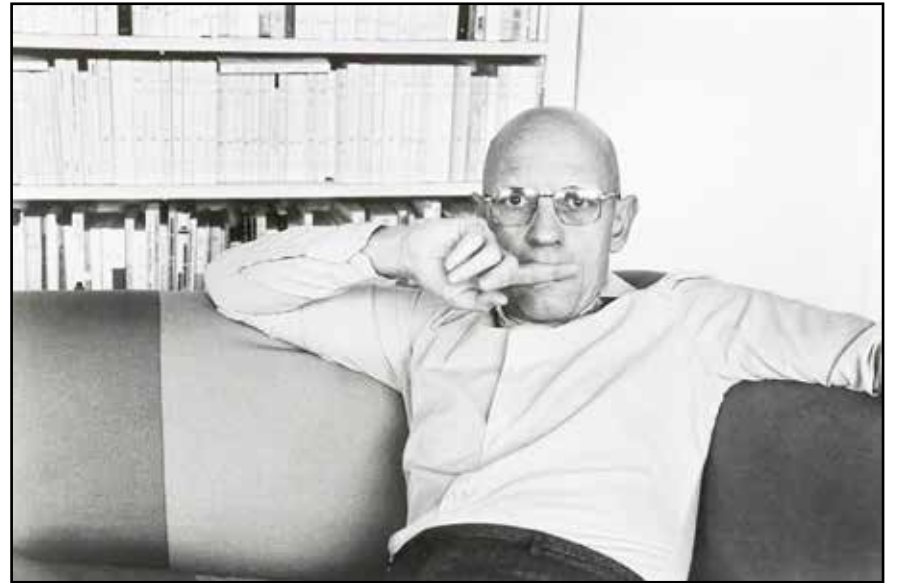


کتابی که برای تحلیل تاریخ معاصر باید خواند

«ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟»



افسانه فردان

پس از جلب توجه افکار عمومی غرب به ایران پس از حوادثی، فوکو متعهد شد اولین سلسله‌ای از مقالات خود را درباره ایران بنویسد. برای این منظور دوبار به عنوان خبرنگار در مهر و آبان ۵۷ به ایران سفر کرد و در این سفر به همه جا سرک کشید. او در این سفر با برخی رهبران انقلاب ملاقات می‌کند، در راه پیمایی‌ها شرکت می‌کند و با مردم حرف می‌زند. او حتی با برخی درباریان و امرای ارتش زمان شاه نیز صحبت می‌کند.

سپس درباره آن چه که در ایران دیده می‌نویسد؛ نوشته‌هایی که چنان فیلمی مستند است. یادداشت‌هایی که در غرب سروصدا به پامی‌کنده از بس که داغ است و از متن جریان خبر می‌دهد. برای همین است که پس از سال‌هاگر انقلاب ایران اظهار نظر کرده است. این نوع روایت میشل فوکو فراغ از فیلسوف بودنش، نام او را در بین ایرانیان تثبیت کرده و کمتر کتابخوان ایرانی است که او را نشناسد و جستجوگر خسته از نظرات او درباره ایران آگاه نباشد، اما اکنون کتابی در ایران منتشر شده است که به تبیین دقیق نظرات میشل فوکو درباره انقلاب بزرگ قرن بیستم، یعنی انقلاب ۵۷ پرداخته تا خواننده ایرانی بتواند از نظرات منسجم او درباره ایران و تاریخ معاصر و ایرانی‌ها و انقلابشان آگاه شود.

«ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟» نوشته میشل فوکو با ترجمه دکتر حسین معصومی همدانی در انتشارات هرمس منتشر شد.

در سال ۱۹۷۸ ریتزولی، ناشر ایتالیایی، از میشل فوکو فیلسوف و نویسنده بزرگ، درخواست کرد تا دیدگاه خود را درباره مسائل مختلف در روزنامه «کوریه دلا سرا» چاپ کند.

یادداشت

نگاهی به کتاب «تاریخ مدرن ایران»

ایان مصدق

«تاریخ مدرن ایران» نوشته پرواندا آبراهامیان با ترجمه محمد ابراهیم فتاحی در نشر نی منتشر شده است. پرواندا آبراهامیان در این کتاب به طور ویژه نگاهش به حوادث داخلی ایران در حول و حوش انقلاب ۵۷ بوده است. پرواندا آبراهامیان، در ارزیابی ریشه‌های تاریخ معاصر ایران مدرن، افزون بر بررسی جامع سده بیستم، موضوعاتی نظیر اکتشاف نفت در ایران و تحولاتی که در پی یافتن این ماده حیاتی در ایران رخ نمود و بسیاری از استعمارزدگی‌ها و استبدادها و در نهایت پیشرفت

نظریه‌های تاریخ معاصر ایران

اقتصادی و البته عقب‌ماندگی ایران و ایرانیان را در پی داشت، دخالت‌های خارجی و بیش از همه نقش انگلستان و آمریکا در در میانه قرن بیستم، هم در روند حاکمیت و سلطنت و هم شرایط منطقه‌ای و اقتصادی ایران، نقش دودمان پهلوی و فرار و فرودهای قدرت‌گیری این خاندان و نقش‌های مختلف آن‌ها در شرایط و تغییرات اساسی ایران چه از نظر سیاسی و منطقه‌ای و چه از نظر فرهنگی و اقتصادی و همچنین انقلاب ۱۳۵۷ و زایش جمهوری اسلامی را مورد واکاوی دوباره قرار داده است. ایران در این بین، تجربیات دیگری را نیز از سر گذرانده است که از جمله باید به

طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم، یعنی جنگ ایران و عراق، دگرگونی‌های جامعه در سه دهه اخیر و از همه مهمتر، توسعه و گسترش دولت و مبارزه برای قدرت در میان نخبگان قدیمی و روشنفکران و طبقه متوسط تجاری اشاره کرد.

نویسنده این کتاب تاریخی که یکی از ممتازترین تاریخ‌نویسان ایران کنونی به شمار می‌رود، در این اثر هم‌زمان با بررسی فراز و نشیب‌های سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای کشور، با چیرگی هر چه تمام‌تر مردم ایران را در کانون توجه‌اش قرار داده است. مردمی که طی یک سده تحمل جنگ و انقلاب همچنان به بقای

پالایشگاهی می‌بیند عظیم اما کم و بیش قدیمی، که میان ورقه‌های شبروانی محصور شده است، با ساختمان‌های اداری به سبک بریتانیایی‌اش، نیمه صنعتی و نیمه مستعمراتی، که از میان کوره‌ها و دودکش‌ها به چشم می‌آید و به قصر حکمرانی در مستعمرات می‌ماند که با ناخن خشکی نسا جان بزرگ منچستر در آن دستی برده باشند.

اما قدرت و حرمت و ثروت این نهاد را از فلاکت عظیمی می‌توان شناخت که روی این جزیره شنی، میان دو شط زردگونی، پدید آورده است، که از اطراف پالایشگاه با یک مشت کلبه‌استوایی آغاز می‌شود و زود به آلونک‌هایی می‌رسد که با بجه‌ها دوروبر آن میان‌شناسی کامیون‌ها و توده‌های آهن قراضه می‌لوند و سرانجام به بیغوله‌های گلین غرق در کثافت ختم می‌شود. اینجا کودکان چمباتمه زده نه داد و فریاد می‌کنند و نه از جایی جنبند. سپس همه این‌ها در میان نخلستان‌هایی که به بیان می‌پیوند محومی شود:

«پشت و روی یکی از بزرگ‌ترین ثروت‌های جهان».

چگونگی شروع اعتصاب‌ها

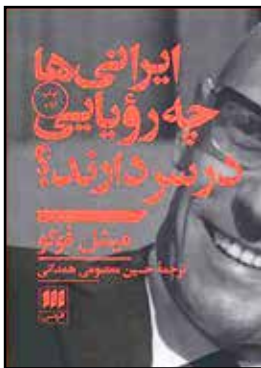
میان اعتصابگران هوپیمایی ملی ایران که از شمار در سالن‌خانه‌شان پذیرایی می‌کنند و اعتصابگران آبادانی، که باید محرمانه و بعد از قرارهای مبهم با آنها ملاقات کرد، شباهت‌های حیرت‌انگیزی هست. حتی اگر شباهتشان جز این یکی نباشد:

اول باری است که اعتصاب می‌کنند؛ اول به این دلیل که تاکنون علاقه‌ای به این کار نداشته‌اند و می‌دانند که این حق آن‌ها نیست. از سوی دیگر همه این اعتصاب‌ها مستقیماً انگیزه‌های سیاسی را به خواست‌های اقتصادی پیوند می‌زند.

حقوق کارگران پالایشگاه در اسفند پیش ۲۵ درصد اضافه شده است. از اول آبان، یعنی از شروع اعتصاب‌ها هم، بدون جر و بحث زیاد، مزایای اجتماعی به ایشان تعلق گرفته است، بعد از آن باز ۱۰ درصد اضافه حقوق و بعد ۱۰ درصد «سود ویژه» (یکی از مدیران می‌گفت: «آید استمی پیدا می‌کردیم که این افزایش را توجیه می‌کنند.») و بعد روزی ۱۰۰ ریال حق نهار. به نظر می‌آید که این رشته می‌توانسته است سر دراز داشته باشد. اما به هر حال، خواست‌این کارگران، مثل خواست خلبانان هما، که ظاهر آن نباید از حقوق خود شکایتی داشته باشند، لغو حکومت نظامی است و آزادی همه زندانیان سیاسی و (لااقل بعضی‌شان می‌گویند) منحل شدن سواک و محکومیت همه کسانی که در ذی‌کرده‌اند یا شکسته شده‌اند.

سفرهای میشل فوکو به ایران

فیلسوف فرانسوی دوبار به ایران سفر کرد و آن گونه که با یادداشت‌هایش برمی‌آید در این سفرها، علاوه بر حضور



بی‌شک برای تحلیل آن چه تاریخ معاصر از سر گذرانده است باید به چشم سوم و نگاه‌های بیرونی نیز توجه کرد. این که جریانات داخلی یک کشور چگونه نمود و باز خوردی دارد و از نگاه تحلیلگران و تاریخ‌دانان بیرون از این مرزها چگونه دیده می‌شود

در راه پیمایی‌ها و دیدن تلویزیون و خواندن روزنامه، با برخی امرای ارتش، رهبران مخالفان، نزدیکان دربار و مردم عادی هم به مذاکره پرداخته است.

حاصل این سفرها در قالب هشت یادداشت در رسانه‌های غربی منتشر شد که بدون تردید در به سکوت کشاندن متحدان شاه مؤثر بود چرا که نشان می‌داد چگونه پیوند مردم با نهادهای رسمی گسسته، چگونه آنان نهادهای خود را به وجود آورده‌اند، چرا و چگونه خانواده سلطنتی را به باد انتقاد می‌گیرند، چگونه رهبری انقلاب را می‌ستایند، چگونه حاضرند برای رسیدن به هدف جان خود را فدا کنند، چگونه رسانه‌های رسمی را دور می‌زنند، چگونه استبداد و فساد را محکوم می‌کنند... یادداشت‌های فوکو درباره ایران عبارتند از: «تشنه وقتی زمین می‌لرزد»، «شاه صد سال دیر آمده است»، «تهران: دین بر ضد شاه»، «ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟»، «شورش با دست خالی»، «آزمون مخالفان»، «شورش ایران روی نوار ضبط صوت پخش می‌شود؟» و «هجر اسطوره‌ای شورش ایران».

او در مقاله اول نشان می‌دهد که مردم بی‌اعتماد به حاکمیت، پس از زلزله طبعی به جای اقامت در خانه‌های جدیدی که ارتش احداث کرده، خودشهرکی ساخته و در آن اقامت گزیده‌اند. او مقاله‌اش را با حوادث ۱۷ شهریور و کشتار مردم ادامه می‌دهد و در نهایت نتیجه می‌گیرد که کارایی و انگیزه حفظ وضع موجود را ندارد. در مقاله دوم او پروژه مدرنیزاسیون در ایران را به نقد می‌کشد و در یک تحلیل جالب، شاه را مظهر کهنه پرستی معرفی می‌کند. در مقاله سوم او ریشه‌های مذهبی انقلاب را جست‌وجو می‌کند و در مقاله بعدی، از مخالفت عموم مخالفان با دخالت‌های آمریکا گزارش می‌دهد. در همین جاست که می‌گوید مردم ایران می‌دانند چه می‌خواهند و چه نه. از جمله می‌نویسد: «شما چه می‌خواهید؟ در مدت اقامت در ایران یک بار هم واژه انقلاب را از زبان کسی نشنیدم، اما از پنج مخاطب من، چهار نفر جواب می‌دادند حکومت اسلامی».

(بخش‌هایی از این یادداشت‌ها از نظرات مختلف منتشر شده است)

تازه‌های کتاب

درباره «کیانوش عیاری: فراسوی سینما» نگاهی به فیلم‌سازی که فراتر از سینماست



«کیانوش عیاری؛ فراسوی سینما» نوشته سعید احمدی علیایی به تازگی در نشر لگام‌متنشر و راهی بازار نشر شده است. به گفته مؤلف اثر، عنوان کتاب براساس سبک

سینمایی عیاری انتخاب شده است؛ چرا که برای این کارگردان مهم‌ترین مسئله خود سینماست و اگر کسی با شیوه کاری عیاری آشنایی کافی داشته باشد، می‌تواند آثار سایر فیلم‌سازهای مهم تاریخ را هم با درک بهتری تماشا کند. «کیانوش عیاری؛ فراسوی سینما» کتابی برای تحلیل سبک و شیوه کارگردانی این کارگردان سینمای ایران است. احمدی علیایی می‌گوید همان‌طور که در مقدمه کتاب اشاره کرده، واژه فراسودر عنوان کتاب به جایگاهی اشاره دارد که از آن، سینما به دقیق‌ترین شکل ممکن دیده می‌شود. اگر کسی سینما را از همان جایی که کیانوش عیاری ایستاده ببیند، دید بسیار عمیق‌تر و دقیق‌تری از فیلم‌سازهای مهم تاریخ به دست می‌آورد و مؤلف کتاب، وظیفه اصلی این اثر را رساندن خواننده به چنین جایگاهی می‌داند. فرآیند جمع‌آوری داده‌های میزانش و دکوپاژ آثار عیاری برای اثر درج در این کتاب، از سال ۹۳ شروع شده و او آخر سال ۹۷ بوده که نگارش اثر براساس شواهد آغاز شده است. این کتاب اوایل سال ۱۳۹۹ نیز به ناشر تحویل داده شده است. نویسنده در بخش اول کتاب، با بررسی چندقسمت از مجموعه تلویزیونی «روزگار قریب» قواعد حاکم بر کارگردانی عیاری را مشخص کرده است. معیارهایی که می‌زانش و دکوپاژ آثار وی را سازمان می‌دهند. بخش دوم نیز با توجه به قواعد بخش اول، اصول زیبانشناختی سینمای عیاری را تبیین می‌کند؛ اصولی که تعیین‌کننده قواعد هستند. سومین بخش کتاب حاصل محتوایی و مفهومی اثر است و براساس یافته‌های بخش اول و دوم، پنج فیلم سینمایی شخچ کردیم، آن سوی آتش، آبادانی‌ها، خانه پدیری و کانا به را از کارنامه عیاری تشریح می‌کند.

نگاهی به یک رمان معنایی و ماجراجویی

«استخوان مردگان را شخم بزن»



رمان «استخوان مردگان را شخم بزن» نوشته اولگا توکار چوک به تازگی با ترجمه هانیه مهر مطلق در نشر گویا منتشر شده است.

نویسنده لهستانی این کتاب سال ۲۰۱۹ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. او متولد سال ۱۹۶۲ است و سال ۲۰۱۸ نیز برنده جایزه من بوکر شد. توکار چوک، ۹ رمان و ۳ مجموعه داستان در کارنامه دارد. داستان «استخوان مردگان را شخم بزن» درباره معلم مدرسه و سردیاری به نام دوشینیکو است که در دهکده‌ای دورافتاده در لهستان زندگی می‌کند و دو سگ محبوبش را ناپدید شده‌اند. پس از ناپدید شدن سگ‌ها، اعضای یک باشگاه شکار محلی به قتل می‌رسند. به همین دلیل دوشینیکو تصمیم می‌گیرد در تحقیقاتی که برای روشن شدن حقیقت انجام می‌شوند، مشارکت کند. او که ستاره خوانی می‌داند، نظریه‌های به‌خصوصی درباره همه چیز دارد. نسخه اصلی این کتاب سال ۲۰۰۹ چاپ شده است. جنون، بی‌عدالتی، حقوق حیوانات، ریاضت‌کاری، تقدیر و چگونگی فرار از مملکت از جمله موضوعاتی هستند که در این رمان به چشم می‌آیند. دلهره‌آوری و تاکید بر فلسفه وجودی دیگر ویژگی‌های این رمان است. این کتاب به گفته مترجمش، قابلیت این را هم دارد که از دیدگاه فمینیستی مورد بررسی قرار بگیرد. چون نویسنده‌اش طرفدار حقوق زنان است و در این داستان به جایگاه و وضعیت زنان لهستان که تحت سلطه مردسالاری هستند، پرداخته است. شخصیت خانم دوشینیکو در این داستان، علاوه بر بیان جهت‌گیری خود نسبت به وضعیت حیوانات، دیدگاه‌های منتقدانه خود را نیز از مردم و دولت کشورش نشان داده است. او در فرازهای مختلف رمان، با مقایسه رفتار و منش مردم جمهوری چک با شهر و نمان کشورش، در تلاش برای فرهنگ‌سازی و تغییر رویه اجتماعی است.



خود ادامه داده‌اند. این کتاب در واقع به این مردم و نیز انعطاف‌پذیری آنان هم‌زمان با ظهور این کشور به مثابه یکی از توانمندترین قدرت‌های خاورمیانه، تقدیم شده است.

پروفسور آبراهامیان، تاریخ‌نگار ارمنی‌تبار ایرانی و متولد تهران در سال ۱۳۱۹ است. وی پس از مهاجرت به بریتانیا و تحصیل در دانشگاه‌های آکسفورد و کلمبیا با درجه دکترا به تدریس تاریخ ایران و تاریخ خاورمیانه در دانشگاه‌های وینستون و آکسفورد پرداخت. همچنین پروفسور آبراهامیان استاد ممتاز تاریخ در کالج باروک دانشگاه شهر نیویورک است و آثار متعددی را در کارنامه پژوهش‌های دانشگاهی‌اش ثبت کرده است که پرآوازه‌ترین آن‌ها کتاب «ایران بین دو انقلاب» است.